



6 فبروری 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

## درسی که باید از گذشته آموخت!

درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009  
«به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان»  
Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

### قسمت پنجم پالیسی جدید: توجه به امور ملکی

پالیسی جدید امریکا در قبال افغانستان نه تنها از نظر نظامی شامل «افزایش نیرو Surge» بود، بلکه در عین زمان توجه به امور ملکی نیز بطور قابل ملاحظه در این پالیسی گنجانیده شده بود. هیلری کلنتن وزیر امور خارجه امریکا برای شرح این پالیسی و جلب همکاری سائر کشورها، کنفرانسی را در شهر «هاگ - هالند» براه انداخت که قبلاً با حکومت افغانستان و نمایندگی ملل متحد در کابل در زمینه مشوره نگردیده بود. با آنکه این اقدام جدید برطبق آرزومندی ملل متحد بود، اما بی اطلاعی از تدویر و محتوای کنفرانس یک نوع سردر گمی و نگرانی را در کابل و نیز نزد کای آیدی به وجود آورد و چنین پنداشته شد که گویا امریکا در اینکار مستقلانه عمل کرده و به نظر دو مرجع دیگر چندان توجه نکرده است. اینکار بار دیگر موجب بروز رنجش کرزی و کای آیدی از مقامات امریکائی گردید، چنانکه در این فصل گزارش مختصر آن ارائه میگردد:

(نوت: درباره پروژه های ملکی شامل این پالیسی گزارش مختصر در ساحات معارف، صحت عامه، انکشاف دهات و امور اجتماعی در فصل نهم کتاب ارائه شده است و چون این موضوعات کمتر به بحث اصلی ما یعنی انتخابات ارتباط میگیرد، از ترجمه آن فصل صرف نظر گردید.)

### اقدام تعجب آور هیلری کلنتن در کنفرانس هاگ (فصل هژدهم کتاب از صفحه 132 الی 140)

مترجم: محمد همایون هارونی

حکومت جدید امریکا مطالعات خویش رامینی بر استراتژی آن کشور در افغانستان آغاز نمود. صدها صفحه نشر و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. ما قبل از آغاز کار حکومت جدید امریکا به جویابین معاون رئیس جمهور چین دیدارش از کابل مشوره خود را ابراز نمودیم. و حال ناظر مذاکرات از فاصله دور بودیم. و هیچ اقدام جدی جهت مشوره صورت نگرفت. در ماه فبروری یک گروپ خبیر وزرا افغانی از واشنگتن دیدن نمودند، در جریان این دیدار یکی از ایشان برایم یک پیغام نوشت "استعمار جدید". افغانها نمی دانستند که با آنها مشوره میشود. آنها یک هفته در واشنگتن اقامت داشتند، مگر فقط بحیث مشاهد بودند.

در جریان مذاکرات وزرای دفاع ایساف ISAF در کراکو؛ سکرتر جنرال ناتو NATO مرا گوشه کرد و اشاره مواظبت داد که حکومت کنونی امریکا در نظر دارد یک کنفرانس بزرگی در مورد ستراتیژی جدید خود در افغانستان دایر نماید. هفته های بعد من درین مورد چیزی نشنیدم و فکر کردم که پلان متذکره از قلم افتاده است. مگر در پنجم مارچ موقعیکه در قصر نمبر 7 در کابل عقب کمپیوتر خود نشسته بودم، ایمیل از معاون وزیر خارجه در واشنگتن ریچارد بوچر Richard Boucher به کمپیوترم رسید. او چند سال قبل مسؤل سیاست های امریکا در افغانستان بود و فعلاً در نظر داشت که وظیفه را ترک گوید. بوچر رفیق بسیار

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خوب بود و علاقمند زیاد بین افغانها داشت. موصوف در ایمیل خود متذکر شد که عنقریب به اطلاع تان خواهد رسید که ایالات متحده میخواد یک کنفرانس بین المللی را در مورد افغانستان دایر نماید وشما ریاست آنرا بعهده خواهید داشت. فقط همین.

هنوز در برابر کمپیوتر بودم که اولین راپور از نماینده گی اخبار بروکسل به اطلاع رسید. همین لحظه در جلسه وزرای خارجه ناتو هیلری کلنتن طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلان نمود که یک کنفرانس بزرگ درهاگ دایر میگردد و ستراتیژی و خط مشی آینده امریکا را تعیین می نماید. درین کنفرانس سرمنشی ملل متحد اشتراک ورزیده و ازمن درخواست بعمل خواهد آمد تا ریاست کنفرانس را بعهده گیرم. شکفت زده به وزیر خارجه سپنتا تیلوفن کردم و در مورد این خبر پرسیدم که چرا او مرا در جریان این خبر نگذاشته است؟؟ چون وی بهمین زودی ها با همکارانش به واشنگتن رفته بود و مگر سپانتا بیشتر از من متعجب شد، قرار معلوم در اثنای توقف در واشنگتن هیچکس با وی درمورد امکانات چنین یک کنفرانس صحبتی نکرده بود. او به سرعت با کرزی به تماس شد اگر او اطلاعی داشته باشد. چند لحظه بعد سپانتا بمن تیلوفن زد که کرزی نیز ازین موضوع اطلاعی ندارد و از موضوع به این منوال اظهار ناخوشنودی کرد. روز بعد با کرزی و چندی از وزرایش در قصر ریاست جمهوری ملاقات نمودم. از آنجائیکه واشنگتن افغانها را از تدویرکنفرانس در مورد افغانستان مطلع نساخته بود، اظهار نارضایتی کامل نشان دادند، نارضایتی بخاطر اینکه کنفرانس در مورد افغانستان دایر میگردد، بلکه با افغانها اصلاً مشوره صورت نگرفته بود. برای کرزی و وزرای مقرب او این نمونه بی توجهی و بی احترامی اداره جدید امریکا بود. بهرحال ما باید آماده گی خودرا به کنفرانس هاگ که بتاريخ 31 مارچ تعیین شده بود، میگردانیم.

درجریان دو هفته آینده، هیچ اطلاعی در مورد کنفرانس برابم نرسید. از آنجائیکه در ماه مارچ من به نیویارک جهت اشتراک به جلسه شورای امنیت ملل متحد میرفتم، تصمیم گرفتم که یکروز را موقع برگشت از نیویارک به واشنگتن بگذارم. ریچارد باوچر بسیار کوشید درمورد اداره جدید بامن کمک نماید اما واضح بود که تاحال اداره جدید از بررسی های خود هیچ نتیجه گیری نکرده بود. درین حال بحث ستراتیژی در آنجا تقریباً به آخر رسیده بود اما معلومات در زمینه بنسترس ما قرار نداشت، بما گوشزد شد که شخص اوباما پلان دارد که دربیانیه خود ستراتیژی جدید را اعلام نماید. امیدواربودیم که امریکائی هاچیزی را که ضرورت مبرم داریم، قبل از تدویر کنفرانس هاگ برای ما بدهند. به اندیشه اینکه آخرین اعلامیه پس از کنفرانس داده خواهد شد، باوچر بامن و بعضی اعضای دفتر ما نشست تا مطالب مهمی را که در اخیر هفته باید در جلسه شورای امنیت ملل متحد بیان نمایم، با ما درمیان بگذارد.

ما ازیک تعداد زیاد نمایندگان کشورها و مؤسسات بین المللی برای مشوره دردفتر مرکزی ملل متحد در نیویارک در رابطه با کنفرانس آینده دعوت نمودیم. این یک کار فوق العاده دشوار بود، زیرا نمی دانستیم چه را پور بدهیم. دشوارتر برای نماینده امریکا بود که از ما هم کمتر میدانست. پس از ختم جلسات در مرکز ملل متحد ما دوباره به واشنگتن برگشتیم، به امید اینکه از آماده گی امریکا در مورد بیشترآگاه شویم. ساعت بسرعت میگذشت و ما ضرورت به معلومات در مورد کنفرانس هاگ بطور عاجل داشتیم.

دوباره بدفتر وزارت خارجه برگشتیم روز های اخیر بمذاکرات طولانی یک ستراتیژی جدید گذشت. من و مارک وارد از چندین ماه به اینطرف راجع به یک "افزایش قوای ملکی" که بیشتر به ضروریات ملکی توجه داشته باشد، صحبت میکردیم و این موضوع از مذاکرات واشنگتن نشأت میکرد. من بسیار علامند بودمیه چیزیکه بمن گفتند، بآنکه هنوز هم مشکل بود تا دقیقاً از ستراتیژی جدید چیزی بدانم. به کنفرانس هاگ فقط یک روز مانده بود. من و باوچر در تهیه اولین مسوده نتیجه گیری ازین کنفرانس کار نمودیم و برآن تأکید داشتیم که کمک ملکی مثل برنامه های نظامی واجد اهمیت بسزا است تا از وابستگی به قراردادی های بزرگ آزاد گردد. نه تنها تأکید به کمک ملکی اقدام مثبت اداره جدید بشمار میرفت، بلکه اداره جدید میخواست تأثیرات کمک های امریکا را نیزمورد بررسی قرار دهد.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دو روز توقف در واشنگتن امکانات آنرا میسر ساخت که اشخاص برجسته اعضای اداره جدید راملاقات نمایم واطلاعات مهم از داخل سیاست امریکا بدست آورم. هیلری کلنتن از همان لحظه اول مراحتت تأثیر قرارداد، سؤالات مشخص در مورد مایحتاج زراعت، ساختمان زیربنائی و مؤسسات ملکی نمود. از مذاکراتیکه با رابرت گیتس و دیگران نمودم، آموختم که اضلاع متحده امریکا با علاقمندی خاص پلان دارد تا صدها متخصص ملکی امریکائی را در افغانستان استخدام نماید. قبلاً هیچ مذاکره در واشنگتن در همچو موارد با چنین رجحان و تأکید صورت نگرفته بود.

تقریباً در همه جلسات از روابط من با هالبروک یادآوری میشد، بقول تایمز لندن هالبروک مرا یک شخص «غیر مؤثر و عاری از فائده» میدانند. مترددبودم که منبع این گفته آیا کدام شخص نزدیک به هالبروک است یا خود وی، ولی از فحوی چنین برمی آمد که به تعقیب مذاکرات اولی ما در آغاز ماه فبروری این گفته هنگام توقفش در کابل صورت گرفته است، هالبروک در مورد چندین همکاری بین المللی و امریکائی خویش نیز کلمات تحقیر آمیز ابراز نموده و از آن جمله بعضی از همکاران نزدیک من بودند. اما امرین مافوق وی تأکید نمودند که اضلاع متحده امریکا بنام معنی از ملل متحد و من پشتیبانی می نمایند، در اولین مذاکرات شخص اوباما نیز همین پیغام را به بانکی مون سرمنشی ملل متحد ابراز نمود. باز هم رابرت گیتس سؤال کرد و متیقن نبود که من کمکهای لازم را از ملل متحد در نیویارک بدست آورده میتوانم. او به تکرار گفت که: "ما از شما کاملاً حمایت میکنیم." مشکل آنست که شما شاید کمکی را دریافت کرده نتوانید که به آن ضرورت دارید».

ما باردیگر برای مذاکرات قبل از جلسه هاگ به نیویارک برگشتیم. باوجود آنکه مذاکرات بیشتر مشخص شده بود، مگر ما کمتر اطلاع در مورد موقف امریکا در زمینه داشتیم. اوباما در سخنرانی تاریخ 27 مارچ خود نکات برجسته ستراتیژی جدید را ابراز نمود، و موقعیکه من آمادگی سفر خویش را به سمت اروپا و هاگ میگرفتم، یک سند پنج ورقی برایم داده شد که خلاصه ستراتیژی جدید امریکا بود و بنام اوراق سفید یاد میشد.

درین زمان توجه امریکا بیشتر به پاکستان بود، واضحاً بدون پالیسی مؤثر در مورد مخالفان مسلح در پاکستان، افغانستان بطور دائم بی ثبات بوده و مورد تاخت و تاز قرار خواهد گرفت. جای شک نیست که ضرورت مبرم به داشتن یک ستراتیژی قوی با اسلام آباد یک امرحتمی است، لیکن مشکل قضیه این بود که چطور بجای انتشار اعلامیه ها به اقدام شدید سیاسی توصل جست. مقامات پاکستانی یک معضله مشکل برای اداره بوش بود که این مشکل به اداره اوباما نیز انتقال خواهد کرد. باوجود کمکهای فوق العاده اقتصادی، فشار سیاسی در محک آزمایش قرار گرفت. باوجود همه اقدامات هیچ تغییری در سیاست پاکستان در برابر افغانستان بوجود نیامد.

مسرور بودم از اینکه می دیدم که تأکید جدی بر لزوم رجحان کمکهای ملکی و افزایش مؤثریت آن در افغانستان صورت گرفته است. در اوراق آمده بود که کمک های انکشافی امریکا و دیگران بشکل نا منظم و ضعیف ترتیب گردیده و کوتاهی در تمویل چندین ساحه مهم بعمل آمده است. من به تمام معنی با آن جملات موافق بودم. بر علاوه قسمتهای قابل ملاحظه کمک های اقتصادی ملل متحد در تمویل معاشات مشاورین ملل متحد بمصرف میرسید. هیچنوع ارزیابی در مؤثریت کمک های امریکا صورت نگرفته و لهذا به یک تغییر جدی نیاز است. ما میتوانستیم که این قسمت را در اوراق سفید خود ما بنویسیم، چنانیکه که دو ماه قبل همچواستدلال را به جو بایدن معاون ریاست جمهور ارائه نمودیم.

در اوراق سفید ساحاتی که رجحان داده میشد، عبارت بودند از: زراعت، امور زیربنائی و تغییر کلی در ظرفیت سازی افغانها که متکی بخود شوند، بخصوص در نواحی ولایات و قریه جات مؤسسات خود را خوداستحکام بخشند. اوراق سفید خواهان یک "افزایش جدی در امور ملکی" گردید و مانیز این اصطلاح متخصصین ملکی را در یونیم UNAMA در جوار تقویه عسکری و پولیس بطور متوازن افزودیم.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

درعین زمان مسرور بودیم که در طرزروش جدید توجه بیشتر به شناخت سیاست های ملکی و آشتی مصالحت آمیز معطوف گردید: اما ملاحمر و گروپ پیروان او به آشتی مصالحت آمیز شامل شده نمیتوانند. واضح است که پیروزی در جنگ ناممکن خواهد بود، بدون آنکه "مخالفان مسلح فاقد ایدئولوژی" اسلحه شانرا به زمین بگذارند. بعقیده من این مفکوره چندان پیشرفت نخواهد کرد، مگر آنکه رهبران طالبان نیز در آشتی مسالمت آمیز شامل گردند. نمیدانستم که اضلاع متحده امریکا از سیاست "مخالفان مسلح فاقد ایدئولوژی" چه هدف دارد و مورد تعجب اینجانب قرار گرفت، با آنهم واشنگتن قدم های بزرگ به سمت درست برداشت.

من یکروز قبل از سائر اعضای ملل متحد به هاگ رسیدم تاپیشنهاد نهائی اعلامیه کنفرانس را قبل از آغاز مجلس تکمیل نمایم. از کلکین هتل خود ملاحظه نمودم که هالندی ها جهت دایر شدن کنفرانس مصروف آماده ساختن همه چیز اند. تماشای آن انسان را بیاد فلم می انداخت که نصب پایه برای بیرق ها، نصب شبکه رسانه هادیوئی، گل ها، و تدابیر امنیتی درعین وقت به سرعت پیش میرفت.

هالبروک یک روز قبل از افتتاح کنفرانس هاگ یک جلسه مقدماتی را بامن تقاضا کرد که دونکنه عمده را در اجندای خود داشت: اول چطور میتوان از شر احمد ولی کرزی برادراندر کرزی را که رئیس شورای ولایتی قندهاراست و فوق العاده به فساد شهرت دارد، فارغ شد؟ و دوم آیا ها لبروک میتواند جلسه جداگانه را همراه وزیر خارجه ایران به تعقیب آنروز دائر نماید؟ من در قسمت ابراز موضع برادراندر کرزی مشوره ندادم چون در گذشته مقامات بین المللی همچو اتهامات را به کرزی ابراز نمودند اما شواهد کافی وجود نداشت، در جواب عکس العمل کرزی همیشه آن بود در صورتیکه " شواهد برایم بدهید" من اقدام می نمایم در غیر آن اقدام نمی کنم و این جوابی است که به هالبروک داده خواهدشد، سرانجام سبب خشمگینی او گردیده و مذاکرات بی نتیجه خواهد ماند. من متیقن بودم که اضلاع متحده معلومات کافی استخباراتی جهت ثبوت شمول برادراندر او دارد، چرا مورد استفاده قرارنمیدهند؟ درحالیکه احمد ولی کرزی از سالهاست که معاش خور (سی آی ای) CIA بوده یک تعدادزیاد ملکیت های او در قندهار از طریق اضلاع متحده به کرایه گرفته شده و او شریک و همدست واشنگتن است.

(نوت: تلاش هالبروک برای دیدار با نماینده ایران طی اجلاس هاگ یکی از نکات ضمنی بود که کای آیدی آنرا در دو پراگراف در این فصل گنجانیده و چون موضوع خارج از بحث اختصاصی ما میباشد از ذکر آن صرف نظر گردید.) کای آیدی در ادامه می نویسد:

زمانیکه وزرای خارجه در هاگ بیانیه های خویشرا ایراد مینمودند، موقع آن بود که اعلامیه نهائی را جهت تصویب آماده سازیم. تاجانیکه توانستیم از اوراق سفید امریکا الهام گرفتیم و ما میدانستیم که موقف ملل متحد با حکومت افغانستان یکسان است : یک توازن مطلوب بین مایحتاج عسکری و ملکی، نیاز به تقدم در ارتقای انکشافی مملکت و ضرورت طرح یک پالیسی مؤثر جهت اولویت کوتاه مدت منابع کمک دهنده. تلاش دوامدار ما این بود تا بتوانیم پروگرام های تشکیل مؤسسات ملکی را در کابل و ولایات دیگر به وجود آوریم، زیرا وزارت خانه ها به قحطی مامورین و اشخاص باکفایت دچار هستند تا بتوانند پروگرام های جدید انکشافی را پیش ببرند. گرچه ثابت است که مؤسسات نمیتوانند بدون تربیه قوای بشری کارمؤثر را براه اندازند، ولی لازم است تا توجه بیشتردر مورد تحصیلات عالی و تربیه مامورین مسلکی صورت گیرد. لازم است تا به انکشاف دوامدارسکتورهای ضعیف از جمله زراعت، انرژی ، ورجحان پروژه های زیر بنائی رجحان بیشتر داده شود. پروگرام کمک های خارجی باید توجه خود را به قراردادی های گزاف قیمت خارجی نسازد ویک انکشاف متوازن سراسری کشوررا مد نظر گیرند. ما کوشیدیم که این همه عناصر درج اعلامیه گردد.

آخرین مشوره ها در تالار مجلس با اعضای ملل متحد بسرعت پیشرفت کرد تا توافق نمایندگان ملل متحد را بدست آید. با تعدیلات جزئی اعلامیه مورد تائید قرار گرفت و جلسه خاتمه یافت. خط مشی و اولویت ها بطور مشخص بمقایسه کنفرانس پاریس دقیق ترتعیین گردید. پرنسیپ های مهم در مؤثریت کمک ها داخل شد، این اولین ستراتیژی پالیسی انکشافی بود که بطوراجمالی تسجیل

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

گردید و نیز یک قدم بسوی ترک فرهنگ وابستگی بود که اکثراً مانع انکشاف در افغانستان می گردید. من در بیانیه کوتاه خود، از اشتراک کننده گان تقاضا نمودم که توجه در اولویت ها نموده فضای " قضاوت های جانبی" را کنار بگذارند. هیلری کلنتن نیز همین نکات را متذکر شد. وقت آن رسیده بود که آستین ها را بر زده بیک روحیه قوی و متمرکز، نه مانند گذشته بکار آغاز نمود.

باآنکه اعلامیه هاگ امید بخش مینمود هیچ یک ما انتظار تغییر آنی در پالیسی های کمک دهندگان را نداشتیم . لیکن ما ملل متحد و وزرای افغانستان امیدوار بودیم که این یک نوع تغییر و نقطه عطف است. برخلاف حکومت بوش معلوم میشد اداره جدید یک ستراتیژی دارد که در بسیاری جهات مشابه ما است، ما هاگ را با یک احساس آسایش خاطر و انرژی نو ترک گفتیم. اما منتظر بودیم که چطور اداره جدید عمل خواهد نمود. آیا واشنگتن بیشتر گوش خواهد داد؟ سهم گیری اشتراک کننده گان در کنفرانس تشویق کننده نبود. آیا این کنفرانس آغاز چیز جدید در آینده خواهد بود؟ (پایان فصل)

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ